

گفتار شماره‌ی ۲۳۸

سلطنت در ایران؟! ستاره‌ی آفل، غروب بی طلوع!!؟

تاریخ ایران، به عدد، در یک نگاه!:

راستان رسته اند روز شمار

سعی کن تا از آن شمار شوی

سنایی(۴۷۳-۵۴۵ ق. / ۱۰۸۰-۱۱۵۰م)

جدول شماره‌ی ۱: پادشاهان ایران باستان

ردیف	نام دوره یا سلسله	طول دوره‌ی فرمانروایی	تعداد پادشاهان	متوسط طول دوره‌ی سلطنت هر سلسله
۱/۱	پادشاهان پارس و انزان	حدود ۷۳۰ ق.م	۵	
۱/۲	مادها	۷۰۱-۵۵۰ ق.م	۴	$۷۰۱ - ۵۵۰ = ۱۵۱ \div ۴ = ۳۷/۵$
۱/۳	هخامنشیان و کوروش جانشینانش	۵۵۹-۳۳۰ ق.م	۱۲	$۵۵۹ - ۳۳۰ = ۲۲۹ \div ۱۲ = ۱۹/۰۸$
۱/۴	سلوکیان (اسکندر جانشینانش)	*اسکندر ۳۳۰-۳۲۳ ق.م جانشینان اسکندر ۳۱۲-۱۲۹ ق.م	۱۴	$۳۳۰ - ۱۲۹ = ۲۰۱ \div ۱۴ = ۱۴/۳۵$
۱/۵	اشکانیان	۲۲۴-۲۵۶ ق.م	۲۹	$۲۵۶ + ۲۲۴ = ۴۸۰ \div ۲۹ = ۱۶/۵۵$
۱/۶	ساسانیان	۴۲۴-۶۳۵ م	۴۳	$۴۲۴ \div ۴۳ = ۹/۸۶$ سال
۱/۷	حاصلجمع تعداد پادشاهان		۱۰۷	
۱/۸	متوسط سالهای سلطنت پادشاهان ایران باستان			$1354 \text{ سال} = \text{بحران} - \text{پایان ساسانی} + \text{آغازماد} / 11 - 635 \text{ م} + 730 \text{ ق.م}$ $= 12/65$ 107 پادشاه

* یادآوری: پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد تا روی کار آمدن جانشینانش در سال ۳۱۲ قبل از میلاد، یازده سال دوره‌ی فترت است، که این دوران را، امپراتوری ایران در "بحران شاه میری" سپری کرده است. این یازده سال، از مجموع سالهای سلطنت کم شده است.

جدول شماره‌ی ۲ : ایران پس از اسلام- خلفای راشدین

ردیف	نام خلیفه	طول دوره‌ی خلافت هر خلیفه (ه.ق / م)
۲/۱	ابوبکر	۱۳ - ۵۱۱ ق. / ۶۳۴ - ۶۳۲ م
۲/۲	عمر	۲۳ - ۵۱۳ ق. / ۶۴۴ - ۶۳۴ م
۲/۳	عثمان	۳۵ - ۵۲۳ ق. / ۶۴۴ - ۶۵۶ م
۲/۴	امیر مومنان علی بن ابیطالب (ع)	۴۰ - ۵۳۵ ق. / ۶۶۱ - ۶۵۶ م
۲/۵	حاصلجمع خلفای راشدین	۴ خلیفه
۲/۶	متوسط طول دوره‌ی خلافت خلفای راشدین $\frac{\text{سال } 661 - 632}{4 \text{ خلیفه}} = 7/25$	

جدول شماره‌ی ۳: ایران پس از اسلام- بنی امیه

ردیف	تعداد خلفا	طول دوره‌ی خلافت بنی امیه (ه.ق / م)
۳/۱	۱۴ خلیفه	۱۳۲ - ۵۴۱ ق. / ۷۵۰ - ۶۶۱ م
۳/۲	متوسط طول دوره‌ی خلافت خلفای بنی امیه $\frac{\text{سال } 750 - 661}{14 \text{ خلیفه}} = 6/35$	

جدول شماره‌ی ۴: ایران پس از اسلام- بنی عباس

ردیف	تعداد خلفا	طول دوره‌ی خلافت بنی عباس (ه.ق / م)
۴/۱	۳۷ خلیفه	۶۵۶ - ۵۱۳۲ ق. / ۱۲۵۸ - ۷۵۰ م
۴/۲	متوسط طول دوره‌ی خلافت خلفای بنی عباس $\frac{\text{سال } 1258 - 750}{37 \text{ خلیفه}} = 13/72$	

جدول شماره‌ی ۵: خاندان‌ها و سلسله‌های پادشاهی ایران پس از اسلام

ردیف	نام خاندان یا سلسله	طول دوره‌ی فرمانروایی (ه.ق / م)	تعداد پادشاهان
۵/۱	طاهریان	۲۵۹-۵۲۰ ه.ق / ۸۷۲-۸۲۱ م	۵
۵/۲	علویان طبرستان	۳۱۶-۵۲۵ ه.ق / ۹۲۸-۸۶۴ م	۴
۵/۳	دیالمه آل زیار	۴۳۳-۳۱۶ ه.ق / ۱۰۴۱-۹۲۸ م	۷
۵/۴	صفاریان	۳۹۳-۲۴۷ ه.ق / ۱۰۰۲-۸۶۱ م	۷
۵/۵	سامانیان	۳۸۹-۵۲۷ ه.ق / ۹۹۸-۸۹۲ م	۹
۵/۶	آل بویه	۴۴۷-۵۳۲ ه.ق / ۱۰۵۵-۹۳۲ م	۲۶
۵/۷	غزنویان	۵۸۲-۵۳۵ ه.ق / ۱۱۸۶-۹۶۲ م	۱۴
۵/۸	غوریان	۶۱۲-۵۴۳ ه.ق / ۱۲۱۵-۱۱۴۸ م	۹
۵/۹	سلجوقیان	۵۹۰-۴۲۹ ه.ق / ۱۱۹۳-۱۰۳۷ م	۱۵
۵/۱۰	خوارزمشاهیان	۶۲۸-۵۴۹ ه.ق / ۱۲۳۰-۱۰۹۶ م	۷
۵/۱۱	اتابکان	۶۲۶-۵۵۴ ه.ق / ۱۲۲۸-۱۱۴۶ م	۶
۵/۱۲	مغول و جانشینانش	۶۵۱-۵۶۱ ه.ق / ۱۲۵۳-۱۲۲۱ م	۷
۵/۱۳	ایلخانان	۷۵۶-۵۶۱ ه.ق / ۱۳۵۵-۱۲۵۳ م	۱۷
۵/۱۴	آل کرت	۷۸۳-۶۴۳ ه.ق / ۱۳۸۱-۱۲۴۵ م	۸
۵/۱۵	اتابکان فارس	۶۸۴-۵۴۳ ه.ق / ۱۲۸۵-۱۱۴۸ م	۱۱
۵/۱۶	قراختاییان کرمان	۷۰۳-۶۱۹ ه.ق / ۱۳۰۳-۱۲۲۲ م	۸
۵/۱۷	خاندان اینجو و آل مظفر	۷۹۵-۷۲۳ ه.ق / ۱۳۹۲-۱۳۲۳ م	۷
۵/۱۸	امرای لرستان	۸۲۷ - حدود ۵۰۰ ه.ق / ۱۴۲۳ - حدود ۱۱۰۶ م	۱۷
۵/۱۹	چوپانیان	۷۵۸-۷۳۸ ه.ق / ۱۳۵۶-۱۳۳۷ م	۲
۵/۲۰	ایلکانی یا آل جلایر	۸۳۶-۷۴۰ ه.ق / ۱۴۳۲-۱۳۳۹ م	۸
۵/۲۱	سربداران	۷۸۸-۷۳۶ ه.ق / ۱۳۸۶-۱۳۳۵ م	۱۱
۵/۲۲	طغاتی‌موریان	۸۱۲-۷۳۷ ه.ق / ۱۴۰۹-۱۳۳۶ م	۴
۵/۲۳	تیموریان	۹۱۱-۷۷۱ ه.ق / ۱۵۰۵-۱۳۶۹ م	۱۱
۵/۲۴	ترکمانان قراقویونلو	۸۷۳-۸۱۰ ه.ق / ۱۴۶۸-۱۴۰۷ م	۴
۵/۲۵	آق قویونلو	۹۰۸-۸۷۲ ه.ق / ۱۵۰۲-۱۴۶۷ م	۸
۵/۲۶	صفویه	۱۱۴۸-۹۰۵ ه.ق / ۱۷۳۵-۱۴۹۹ م	۱۱
۵/۲۷	افشاریه	۱۲۱۸-۱۱۴۸ ه.ق / ۱۸۰۳-۱۷۳۵ م	۴
۵/۲۸	زندیه	۱۲۰۹-۱۱۶۳ ه.ق / ۱۷۹۴-۱۷۴۹ م	۹

۵/۲۹	*قاجاریه	۱۳۴۳-۱۲۰۰ ه.ق / ۱۹۲۴-۱۷۸۵ م	۱۰
۵/۳۰	*پهلوی	۱۳۹۹-۱۳۴۳ ه.ق / ۱۳۵۷-۱۳۰۴ ش / ۱۹۷۹-۱۹۲۵ م	۴
۵/۳۱	حاصلجمع تعداد پادشاهان	۲۷۰	
۵/۳۲	متوسط سالهای سلطنت پادشاهان ایران پس از اسلام $\frac{1158 \text{ سال} = \text{پایان پهلوی} - \text{آغاز طاهریان} / 1979 \text{ م} - 821 \text{ م}}{270 \text{ پادشاه}} = 4/28$		

***یادآوری ۱:** در دوره‌ی قاجار، هفت پادشاه، یک ولیعهد (محمدحسن میرزا) و دو نایب السلطنه‌ی تام الاختیار (عبدالملک قاجار و ابوالقاسم ناصر الملک قراگوزلو) در شمار پادشاهان دوره‌ی قاجار به شمار آمده اند.

***یادآوری ۲:** در دوره‌ی پهلوی نیز، افزون بر پهلوی اول و دوم، نایب السلطنه (همسر سوم پهلوی دوم) و ولیعهدش را همچنان می توان در شمار پادشاهان دوره‌ی پهلوی در شماره آورد.

جدول شماره ۶: جدول شماره‌ی کل پادشاهان و خلفا در ایران

ردیف	تعداد کل پادشاهان ایران از ابتدا تا پایان دوره‌ی پهلوی	سال آغاز و پایان سلطنت در ایران
۶/۱	۴۳۲ پادشاه و خلیفه	۷۳۰ قبل از میلاد تا ۱۹۷۹ میلادی
۶/۲	متوسط کل سالهای سلطنت پادشاهان و خلفا در ایران $\frac{\text{سال} 2709 = \text{پایان پهلوی} + \text{قبل از ماد} / 1979 + 730}{432 \text{ پادشاه}} = 6/28$	

_تاریخ مقایسه‌ئی سلطنت در ایران

شاید این نخستین بار باشد که چنین تاریخ مقایسه‌ئی _ کم و بیش در یک نگاه _ تا آنجا که ممکن بوده است، تدوین یافته است. این تاریخ دارای این ویژگی‌های _ احيانا موقتا _ در خور ذکر است:

(۱)_ تاریخ بازیافته‌ی سلطنت و خلافت در ایران، از ۷۳۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود، و تا پایان آن ۱۹۷۹ میلادی بطول می‌انجامد، یعنی که در مجموع بالغ بر ۲۷۰۹ سال می‌گردد!!؟

(۲)_ با توجه به سلسله‌هایی که قبل از اسلام، در ایران و یا بر بخشی از ایران سلطنت کرده اند، شش دوره را می‌توان نام برد که به ترتیب عبارتند از:

(۲/۱)_ پارس‌ها

(۲/۲)_ مادها

(۲/۳)_ هخامنشیان

(۲/۴)_ اسکندر و سلوکیان

(۲/۵) _اشکانیان

(۲/۶) _ساسانیان

(۳) _از آنجا که تمام کتابها و مقالات مهم تاریخی درباره‌ی ایران، رویدادهای سلطنت در ایران قبل از اسلام را، به تقویم تاریخی خود، با اتکا به تاریخ میلادی شمسی ذکر نموده اند، این جدولهای تاریخی نیز، بر همان مبنای اتکای به تاریخ میلادی تدوین شده است.

(۴) _حفظ تاریخ میلادی که در تمام تواریخ بعد از اسلام همچنین، در این جداول رعایت شده است، امکان وحدت مقایسه‌ی رویدادهای بین المللی و ایران را نیز، میسر می‌سازد، که در شناخت وحدت و تنوع مقایسه‌ئی تاریخ جهان با تاریخ ایران، از اهمیت کم نظیری برخوردار است.

(۵) _شمار سلسله‌های خلافت و پادشاهی، بعد از ساسانیان در ایران، در کل ۳۳ سلسله و خاندان را شامل می‌شود، که به شرح زیر عبارتند از :

(۵/۱) _خلفای راشدین، ۴ تن، از ۱۱ تا ۴۰ ه.ق/ از ۶۳۲ تا ۶۶۱ میلادی

(۵/۲) _خلفای بنی امیه، ۱۴ تن، از ۴۰ تا ۱۳۲ ه.ق/ از ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی

(۵/۳) _خلفای بنی عباس، ۳۷ تن، از ۱۳۲ تا ۵۶۵ ه.ق/ از ۷۵۰ تا ۱۲۵۸ میلادی

(۵/۴) _طاهریان، ۵ تن، از ۲۰۶ تا ۲۵۹ ه.ق/ از ۸۲۱ تا ۸۷۲ میلادی

(۵/۵) _علویان طبرستان، ۴ تن، از ۲۵۰ تا ۳۱۶ ه.ق/ از ۸۶۴ تا ۹۲۸ میلادی

(۵/۶) _دیالمه آل زیار، ۷ تن، از ۳۱۶ تا ۴۳۳ ه.ق/ از ۹۲۸ تا ۱۰۴۱ میلادی

(۵/۷) _صفاریان، ۷ تن، از ۲۴۷ تا ۳۹۳ ه.ق/ از ۸۶۱ تا ۱۰۰۲ میلادی

(۵/۸) _سامانیان، ۹ تن، از ۲۷۹ تا ۳۸۹ ه.ق/ از ۸۹۲ تا ۹۹۸ میلادی

(۵/۹) _آل بویه، ۲۶ تن، از ۳۲۰ تا ۴۴۷ ه.ق/ از ۹۳۲ تا ۱۰۵۵ میلادی

(۵/۱۰) _غزنویان، ۱۴ تن، از ۳۵۱ تا ۵۸۲ ه.ق/ از ۹۶۲ تا ۱۱۸۶ میلادی

(۵/۱۱) _غوریان، ۹ تن، از ۵۴۳ تا ۶۱۲ ه.ق/ از ۱۱۴۸ تا ۱۲۱۵ میلادی

(۵/۱۲) _سلجوقیان، ۱۵ تن، از ۴۲۹ تا ۵۹۰ ه.ق/ از ۱۰۳۷ تا ۱۱۹۳ میلادی

(۵/۱۳) _خوارزمشاهیان، ۷ تن، از ۴۹۰ تا ۶۲۸ ه.ق/ از ۱۰۹۶ تا ۱۲۳۰ میلادی

(۵/۱۴) _اتابکان، ۶ تن، از ۵۴۱ تا ۶۲۶ ه.ق/ از ۱۱۴۶ تا ۱۲۲۸ میلادی

(۵/۱۵) _مغول و جانشینانش، ۷ تن، از ۶۱۸ تا ۶۵۱ ه.ق/ از ۱۲۲۱ تا ۱۲۵۳ میلادی

- (۵/۱۶) _ ایلخانان، ۱۷ تن، از ۶۵۱ تا ۷۵۶ ه.ق / از ۱۲۵۳ تا ۱۳۵۵ میلادی
- (۵/۱۷) _ آل کرت، ۸ تن، از ۶۴۳ تا ۷۸۳ ه.ق / از ۱۲۴۵ تا ۱۳۸۱ میلادی
- (۵/۱۸) _ اتابکان فارس، ۱۱ تن، ۵۴۳ تا ۶۸۴ ه.ق / از ۱۱۴۸ تا ۱۲۸۵ میلادی
- (۵/۱۹) _ قراختاییان کرمان، ۸ تن، از ۶۱۹ تا ۷۰۳ ه.ق / از ۱۲۲۲ تا ۱۳۰۳ میلادی
- (۵/۲۰) _ خاندان اینجو و آل مظفر، ۷ تن، از ۷۲۳ تا ۷۹۵ ه.ق / از ۱۳۲۳ تا ۱۳۹۲ میلادی
- (۵/۲۱) _ امرای لرستان، ۱۷ تن، از حدود ۵۰۰ تا ۸۲۷ ه.ق / از حدود ۱۱۰۶ تا ۱۴۲۳ میلادی
- (۵/۲۲) _ چوپانیان، ۲ تن، از ۷۳۸ تا ۷۵۸ ه.ق / از ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۶ میلادی
- (۵/۲۳) _ ایلکانی یا آل جلایر، ۸ تن، از ۷۴۰ تا ۸۳۶ ه.ق / از ۱۳۳۹ تا ۱۴۳۲ میلادی
- (۵/۲۴) _ سربداران، ۱۱ تن، از ۷۳۶ تا ۷۸۸ ه.ق / از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۶ میلادی
- (۵/۲۵) _ طغاتی‌موریان، ۴ تن، از ۷۳۷ تا ۸۱۲ ه.ق / از ۱۳۳۶ تا ۱۴۰۹ میلادی
- (۵/۲۶) _ تیموریان، ۱۱ تن، از ۷۷۱ تا ۹۱۱ ه.ق / از ۱۳۶۹ تا ۱۵۰۵ میلادی
- (۵/۲۷) _ ترکمانان قراقویونلو، ۴ تن، از ۸۱۰ تا ۸۷۳ ه.ق / از ۱۴۰۷ تا ۱۴۶۸ میلادی
- (۵/۲۸) _ آق قویونلو، ۸ تن، از ۸۷۲ تا ۹۰۸ ه.ق / از ۱۴۶۷ تا ۱۵۰۲ میلادی
- (۵/۲۹) _ صفویه، ۱۱ تن، از ۹۰۵ تا ۱۱۴۸ ه.ق / از ۱۴۹۹ تا ۱۷۳۵ میلادی
- (۵/۳۰) _ افشاریه، ۴ تن، از ۱۱۴۸ تا ۱۲۱۸ ه.ق / از ۱۷۳۵ تا ۱۸۰۳ میلادی
- (۵/۳۱) _ زندیه، ۹ تن، از ۱۱۶۳ تا ۱۲۰۹ ه.ق / از ۱۷۴۹ تا ۱۷۹۴ میلادی
- (۵/۳۲) _ قاجاریه، ۹ تن، از ۱۲۰۰ تا ۱۳۴۳ ه.ق / از ۱۷۸۵ تا ۱۹۲۴ میلادی
- (۵/۳۳) _ پهلوی، ۴ تن، از ۱۳۴۳ تا ۱۳۹۹ ه.ق / از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ شمسی / از ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ میلادی

(۶) _ توجه به جدول تاریخی مقایسه‌ی سلطنت در ایران، شخص را متوجه می‌سازد که:

(۶/۱) _ تاریخ سلطنت در ایران پدیده‌ی است که کم و بیش آفل است. یعنی پیوسته رو به افول می‌رود و کاستی می‌پذیرد. چنانکه نخستین دوره‌ی سلطنت ایران پیش از اسلام از متوسط عمر ۱۲/۳۸ سال آغاز می‌شود و در پایان تاریخ سلطنت به ۶/۲۸ سال، یعنی کم و بیش به نصف آن تقلیل می‌یابد. از اینروست که، سلطنت را پدیده‌ی آفل یا غروبی بی طلوع یافته ایم.

(۷) _ با توجه به متوسط عمر سلطنت در ایران، در سال ۱۳۵۷ ه.ش / ۱۹۷۹ م، یعنی حدود ۶ سال، ملاحظه می‌شود که در برابر دوره‌های رهبری دموکراتیک، دوره‌های چهار ساله‌ی ریاست جمهوری که حداقل دوبار می‌تواند انتخابات

صورت گیرد، و رئیس جمهور دوره‌ی نخست، در دوره‌ی دوم نیز انتخاب گردد. دو دوره‌ی چهار ساله، یعنی هشت سال. متوسط دوره‌ی سلطنت در ایران، عمری کوتاه‌تر از عمر دو دوره‌ی چهارساله‌ی انتخابات دموکراتیک پاره‌ئی از کشورهای دموکراتیک دارد!!!؟

از اینرو بحث عوام‌فریب سفسطه آمیز درباره‌ی این که چون سلطنت پدیده‌ئی تاریخی و سنتی در ایران بوده است، پس باید آینده‌ی ایران، همچنان با سلطنت احیانا با صفت "مشروطه"، ادامه یابد، گفته‌ی شکسپیر (۱۶۱۶-۱۵۶۴م) را که "هیاهوی بسیار بر سر هیچ" Much Ado About Nothing است را بخاطر متداعی می سازد!!!؟

۸) _ از ویژگی‌های روابط بین سلسله‌های سلطنتی و خلافتی آنست که هر سلسله که به روی کار می‌آمد، کوشش داشت که همه نسل و قبیله‌ی سلسله‌ی قبل را از خود را، به فروکاستی افراطی فرو در کشاند. یعنی آنها را تا آنجا که ممکن است، از مقام‌های خود دور سازد، به مرگ، زندان و یا تبعیدهای خواسته و یا اجباری و جلای وطن مجبور نماید!!!؟

۹) _ در سلسله‌ی قاجاریه، بعد از احمد شاه، یک ولیعهد یعنی محمد حسن میرزا و دو نایب السلطنه تام الاختیار (عضد الملک قاجار و ناصر الملک قراگوزلو)، چنانکه پیش تر نیز اشاره رفت در شمار پادشاهان قاجار به حساب آمده اند.

۱۰) _ غیر از پهلوی دوم، ولیعهد و نایب السلطنه‌ی او، همسر پهلوی دوم را نیز، جزو شمار خاندان سلطنت، در دوران پهلوی باید اضافه نمود. همچنین برادران شاه و بطور کلی شاهدخت‌ها و شاهپورها که همه، ناچار آواره و حتی یکی از آنان ترور شد (دریابان شفیق، پسر اشرف پهلوی) بقیه همه از ایران تار و مار شده اند.

۱۱) _ در تحلیلی کم و بیش نهایی، در مجموع ۴۲ سلسله، در ایران، در طول ۲۷۰۹ سال سلطنت کرده اند. بدین ترتیب متوسط عمر سلطنت هر سلسله بر ۶۴/۵ سال بالغ می‌گردد!!!؟ این تنوع و چندگانگی سلسله‌ها که عموماً یکدیگر را هم قبول نداشته اند، خود حاکی از آنست، که اگر سلطنت امری الهی، ابدی، یا طبیعی بشمار می‌رفت، یک سلسله بیشتر نمی‌بایستی در تمام طول مدت تاریخ، بر ایران حاکم باشد؛ و نه آنکه هر سلسله رقیب سلسله‌ی قبل و بعد از خود در ایران بشمار رود!!!؟

سلطنت، بخوبی گفته‌ی سعدی را _ که دو پادشاه در اقلیمی نگنجند _ و هدف از بازی شطرنج را، به رسایی تحقق می‌بخشد؛ یعنی هر سلسله چنانکه در صفحه‌ی شطرنج به بازی نشان می‌دهند، کارش و وجودش، کیش و مات سلسله‌ی دیگر، و تنها و تنها حفظ بقای خویشتن است، که آن هم همواره مشمول کیش و مات بعدی خود، در تنازع بقای سلطنت، و اعمال قدرت قرار می‌گرفته است!!!؟

۱۲) _ از نظر کاهش وسعت خاک ایران، زیانبارگی سلطنت موجب شده است، خاک ایران نیز، مرتباً وسعتش کاهش یابد. پس از شومی ننگ قرار داد ترکمانچای، و از دست دادن هفده شهر از وسعت خاک و تمدن ایران، شاید آخرین مثله کردن کالبد وطن، جدا کردن بحرین از ایران، با رضایت و دستور پهلوی دوم بشمار آید. این فاجعه درست چند سالی قبل از هیاهوی بسیار روی داد، که به نام جشن‌های شاهنشاهی خوانده شده است. پهلوی دوم در برابر مزار کوروش، تسلی بخشانه به او اطمینان داد که: کوروش! آسوده بخواب که ما بیداریم.

زمانی که این سخنان، از زبان پهلوی دوم جاری شد، ایران شاید کم و بیش وسعتش، حدود یک دهم زمان کوروش، بویژه ایران زمان داریوش بزرگ را شامل می‌گردید. یعنی بر اثر همان زیانبارگی سلطنت، ایران از زمان داریوش تا زمان پهلوی دوم، کم و بیش، بالغ بر نود درصد (۹۰٪) از وسعت خاک خود را، از دست داده بوده است!!!

آیا این سلطنت، هنوز باید فاجعه‌های بیشتری برای ایران بوجود آورد؟؟؟! بویژه که اینک نگرانی پاره‌ئی بعنوان تجزیه‌ی ایران مطرح می‌گردد؟؟؟!!

۱۳) _ در واپسین نگاه، آنچه که فرصت آن، بعلت گرفتاری بیماری و ضعف قوای جسمانی، تاکنون برای ما دست نداده است، آنست که بررسی شود که پادشاهانی که فرصت داشته اند، در دوران حکومت خود، گرفتار چه جنگ‌ها و شورش‌های داخلی بوده اند؟؟؟! چنانکه در مورد مولا امیر المومنین (ع) ملاحظه می‌شود که در کمتر از پنج سال، آن بزرگوار، دست کم، گرفتار سه جنگ، فتنه و شورش بزرگ مانند جنگ‌های جمل، صفین و نهروان بوده است، که برای آن مقام والا، بویژه با شهادت زود رس آن حضرت، فرصت و امکان انجام کارهای اساسی طبق فکر والای خود برای جهان اسلام، بدست نیامده بوده است.

سلطنت _ سلطنت واقعی و مردم گرا _ به باغستانی همیشه بهار نیازمند است. از اینرو بنا به فرض، اگر هم پادشاهی، احتمالاً خوش نیت وجود می‌داشته است، به گفته‌ی مشهور به یک گل، هرگز بهار نمی‌شود، و بهارستانی جاودان به وجود نمی‌آید!!!

"والسلام علی من اتبع الهدی"

درود بر همه‌ی آنان که راه درست و راست را برگزیده اند، و با جدیت، و بی وقفه، آن را پیروی می‌کنند.

تاریخ انتشار: یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ / ۱۱ ژوئن ۲۰۲۳